

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۵

هزار و سیصد و نود و سه - نیمسال اول

- ۵ ● آموزش حقوق بشر برای تفتی خشونت
رما لاسی - عباس بهروزی‌کوله
- ۲۹ ● چالش‌های سازمان جهانی تجارت در حاکمیت جهانی بر حوزه نفت
محمد آقایی
- ۶۱ ● مهندسی ساوول‌های نطقه‌ای انسان در مثلث حق سلامت، حق توسعه و هویت مشترک
فاطمه طرف
- ۸۵ ● دولت یرتاب‌کننده اشیای فضای و تأثیر پروژه «سی لانچ» بر تحول مفهوم آن
حسین کلونتی - سیدمادی محمودی
- ۱۱۲ ● رجوع سازمان تأمین اجتماعی به کارفرمای مقصر در ورود خسارت به کارگر بیمه‌شده
محمد سابر - سرین طباطبایی حساری
- ۱۳۲ ● مسؤلیت حقوقی دولت در بلایای طبیعی
زهره رحمتی
- ۱۸۵ ● کتوتاسیون منح شکنجه: هشم‌اندازی فرا راه جبران خسارت قربانیان نقض‌های فراسرزمینی
نیلوفر نظریاتی
- ۱۹۹ ● شرط ماهوی گام ابتکاری در ایند قوتین و مقررات (الگوی برای قاتونگذاری ایران)
حامد نجفی - مهسا مدنی
- ۲۱۲ ● جایگاه ایران در مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (پوتیدروا) و نگاهی به ایند
کوروش چمتری





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32615.html

آموزش حقوق بشر برای نفی خشونت

رضا اسلامی* - عباس بهروزی خواه**

چکیده:

خشونت پیشینه‌ای به درازای عمر بشر دارد و در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی او برای خود جایگاهی یافته است. برای رسیدن به جامعه‌ای عاری از خشونت ابتدا باید خشونت را شناخت. مفهوم خشونت در طول تاریخ دچار تحول و تطور شده و دامنه آن بسیار گسترش یافته است، به طوری که امروز آن را یکی از عمده‌ترین تهدیدات صلح در تمام سطوح از زندگی فرد تا جامعه بین‌الملل می‌دانند. بررسی دقیق خشونت در روابط انسانی نشان می‌دهد بسیاری از خشونت‌ها، ریشه‌های فرهنگی دارد، اما مانند سایر ابعاد فرهنگ، قابل اصلاح و جایگزینی با فرهنگ عاری از خشونت است. در این مقاله خشونت‌های مستقیم، اجتماعی و ساختاری مورد بررسی قرار گرفته و بعد از ایجاد شناختی مختصر از ابعاد مختلف آنها، راهکارها و امکانات آموزش حقوق بشر برای قطع چرخه خشونت و ایجاد فرهنگ عاری از خشونت در میان جوامع انسانی معرفی می‌گردد. آموزش حقوق بشر از طریق ایجاد آگاهی، احساس مسؤلیت و ایجاد توانمندی در مخاطبان، یک برنامه‌ریزی مناسب برای شناساندن انواع خشونت‌های پدیدار و پنهان، قطع چرخه خشونت و استقرار فرهنگ عاری از خشونت است که لازمه صلح پایدار در جوامع انسانی است.

کلیدواژه‌ها:

خشونت، فرهنگ خشونت، چرخه خشونت، خشونت فردی، خشونت اجتماعی، خشونت ساختاری، آموزش حقوق بشر، صلح پایدار.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که محصور در آموزه‌های فرهنگی خویش است و این آموزه‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. گاهی این چرخه فرهنگی چنان بر سرنوشت مردم حاکم می‌گردد که به حقیقتی محتوم و گریزناپذیر در اجتماع و روابط انسانی مبدل می‌شود. خشونت نیز از جمله این مسائل است که همپای انسان رشد کرده و در تمامی ابعاد زندگی انسان رسوخ نموده است. دامنه خشونت در روابط انسانی بسیار وسیع و جلوه‌های آن نیز بسیار متنوع است. گاهی همچون جنگ علنی و گاهی همچون کودک آزاری در پنهان صورت می‌گیرد، گاهی مقدس و مایه غرور و افتخار است و البته گاهی مایه خجالت و انزجار، اما آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که خشونت به فرهنگی غالب در روابط انسانی تبدیل شده است که تهدیدی دائمی برای صلح است.

خشونت زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست‌شناسی مختلفی دارد، زیرا انسان همانند سایر پستانداران امکان استفاده از خشونت را در مواقعی دارد، اجداد ما برای حل پاره‌ای از مشکلات انطباقی خود دست به خشونت می‌زدند.^۱ همچنین بی‌عدالتی، نابرابری، شکاف‌های اجتماعی، آموزه‌های فرهنگی و مذهبی، نابردباری^۲ و مشکلات روانی می‌تواند به استفاده از خشونت منتهی گردد. از نظر نوع‌شناسی، خشونت انواعی دارد^۳ که حاصل رسوخ آن در تاروپود زندگی اجتماعی و فردی مردم است. بر اساس یک تقسیم‌بندی خشونت به سه دسته فردی (مستقیم)^۴، ساختاری و فرهنگی تقسیم می‌شود.^۵ خشونت فردی که در مقابل خشونت ساختاری قرار دارد بیان‌کننده اعمال زور در روابط انسانی برای تحمیل محدودیت یا محروم کردن یا اعمال صدمه جسمی و روحی به طرف مقابل است، حال آنکه خشونت ساختاری به تقسیم نابرابر و ناعادلانه منابع مادی و قدرت سیاسی اشاره دارد. خشونت فرهنگی نیز بیانگر جلوه‌های مختلف فرهنگ شامل زبان، ادبیات، هنر، دین، ایدئولوژی، علوم و آداب و رسوم یک جامعه است که توجیه‌کننده و مشروعیت‌دهنده به انواع خشونت مستقیم و ساختاری است.^۶

1. T.Goetz, Aaron, *The Evolutionary Psychology of Violence*, Psicothema, 2010. Vol. 22, p. 17.

۲. این باور در اعضای یک گروه به وجود می‌آید که اعتقاد یا روش زندگی خود را برتر از دیگران می‌دانند و می‌تواند دامنه وسیعی از اعمال غیرمدنی، نادیده گرفتن دیگران، آپارتاید، نسل‌کشی را ایجاد نماید که حاصل انکار ارزش‌های اساسی انسان و ایجادکننده چرخه خشونت است. نک:

Tolerance: *The Threshold of Peace* (Preliminary Version), UNESCO, 1994, p. 15.

۳. همتی، رضا، «عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌های تهرانی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲)، ۹.

۴. یوهان گالتونگ واژه مستقیم را در مقابل ساختاری انتخاب نموده است.

5. Ho, Kathleen, *Structural Violence as a Human Rights Violation*, Essex Human Rights Review, Vol. 4, No.2, 2007, p. 3.

6. Galtun, Johan, *Culture Violence*, *Journal of Peace Research*, Vol. 27, No.3, 1990, p. 291.

خشونت یکی از دشمنان اصلی شکوفایی، آزادی و تعالی انسان است که در تضاد با اهداف اصلی حقوق بشر است. خشونت به کارگیری زور (فیزیکی و غیرفیزیکی) برای مجبور کردن افراد، آسیب‌رساندن، نفی خودمختاری و آزادی‌های مشروع و زیر پا گذاشتن قواعد و مقررات مورد احترام جامعه تعریف می‌شود. دامنه خشونت بسیار وسیع است، از خشونت‌های خانوادگی گرفته تا جنگ^۱ و تروریسم^۲ و نسل‌کشی، از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ و اجتماع و هر کجا رابطه میان انسان‌ها وجود دارد، می‌توان آثار آن را یافت.

با وجود اینکه خشونت معمولاً علیه دیگران صورت می‌پذیرد، اما مورد استثنایی بر این قاعده وجود دارد که طی آن شخص به دلایلی خود را قربانی خشونت قرار می‌دهد.^۳ به همین علت عده‌ای خشونت را به دو دسته تقسیم نموده‌اند: خشونت نسبت به خود^۴ و خشونت نسبت به دیگران.^۵ خشونت نسبت به دیگران نیز به دو شکل انفرادی و گروهی تجلی می‌یابد، خشونت‌های گروهی دامنه وسیعی از خشونت‌ها را از جنگ، نسل‌کشی و تروریسم تا انواع خشونت‌های سازمان‌یافته درون اجتماع را دربر می‌گیرد.

آموزش حقوق بشر هم به‌عنوان یک حق بشری و هم به‌عنوان سازوکاری برای قطع چرخه خشونت و برقراری صلح^۶ در واقع استفاده از محتوای آموزشی حقوق بشر و امکانات حقوق بشر برای مقابله با جلوه‌های خشونت و نهادینه کردن فرهنگ صلح است که در قالب‌های آموزشی برای افراد هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۷ آموزش حقوق بشر با ایجاد آگاهی در خصوص ارزش‌ها و آرمان‌های حقوق بشری، توسعه و تقویت رعایت حقوق بشر از طریق آموزش و «ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشری»^۸ و در نهایت شناساندن سازوکارهای

۱. تاریخ صلح از تاریخ جنگ جدا نیست و قدمت این دو به اندازه حیات انسان است. (علی‌هنجی، «پیدایش حقوق بشردوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار رزمندگان با یکدیگر»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، ۳۹، (۱۳۸۳)، ۷۷). قدیمی‌ترین پیمان (به‌دست آمده) صلح در ۱۲۷۸ ق.م بین هی‌تیت‌ها Hittites و مصریان منعقد شد و دربرگیرنده محدودیت برای نیروهای تهاجمی بود. (گاستن بوتول، تبعی در ستیزه‌شناسی، ترجمه حسن پویان (تهران: پژمان، ۱۳۶۴)، ۱۲۵).

۲. تروریسم یکی از شکل‌های امروزی جنگ و عملیات نظامی عاملانی است که به اندازه دیگران امکانات جنگی در اختیار ندارند، و گاه حتی سرزمینی ندارند که در آن به جنگ بپردازند. (ایو میشو، خشونت دست‌آموز، ترجمه بابک سیدحسینی (تهران: مرکز چاپ و انتشارات صحیفه وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ۷).

۳. خشونت نسبت به خود شامل رفتارهای خودکشی‌مآبانه، مثل قطع عضو، پیدا کردن ابزار انجام آن، تلاش برای کشتن خود و تکمیل عمل است (همان، ۱۰) عده‌ای نیز مصرف افراطی الکل و اعتیاد را یک نوع خودکشی درازمدت می‌داند.

4. Violence Self – Directed.

5. Violence Interpersonal.

۶. برای رسیدن به این موضوع راه درازی پیموده شده است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: عباس بهروزی‌خواه، «آموزش حقوق بشر برای صلح»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷).

7. Brochman, Helge & Eldrid, K. Midttun, *Human Rights Education and Peace Building, Current Issues in Comparative Education, Teacher College, Columbia university, November 15, 1999*, p. 96.

8. Plan of Act, *World Programme for Human Rights Education, First Phase, United Nation, New York and Geneva, 2006*, p. 1.

تضمین حقوق بشر و نهادهای حمایتی برای مقابله با نقض حقوق بشر و الزام به رعایت آن تعریف می‌شود.^۱ آموزش حقوق بشر هم دارای بُعد حقوقی و هم دارای بُعد هنجاری و فرهنگی است و با ایجاد آگاهی و مهارت، انگیزه لازم برای تغییر زندگی فرد به سمت هنجارها و ارزش‌های حقوق بشری را ایجاد می‌نماید^۲ از این‌رو، بستر مناسبی برای قطع چرخه خشونت و ایجاد فرهنگی حقوق بشری و صلح پایدار است.

به علت اهمیت موضوع در ادامه، مقاله را با سه مبحث اثر آموزش حقوق بشر بر خشونت‌های خانوادگی، اجتماعی و سایر انواع خشونت (خشونت‌های اقتصادی و سیاسی) مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف ما در این تحقیق، نشان دادن ابعاد این نوع خشونت‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است و به دنبال آن معرفی امکانات آموزش حقوق بشر برای مهار و قطع چرخه‌های خشونت و برقراری صلح پایدار است.

مبحث یکم - آموزش حقوق بشر و نفی خشونت خانوادگی

خشونت‌های خانوادگی از انواع خشونت‌های مستقیم محسوب می‌شود و به شدت تحت تأثیر شخصیت (آموخته‌ها) و محیط اطراف فرد است که امروزه یکی از آزاردهنده‌ترین انواع خشونت در جامعه است و به شکل گسترده‌ای در اقصای مختلف اجتماع رواج یافته است. خشونت خانوادگی عمدتاً بین اعضای خانواده و همسران صمیمی اتفاق می‌افتد و در اشکال مختلفی همانند کودک آزاری، خشونت بین خواهر و برادرها،^۳ همسر آزاری و بدرفتاری با افراد سالخورده^۴ و ناتوان تجلی می‌یابد.^۵ در این مبحث به علت اهمیت خاص موضوع به نقش آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت میان همسران و خشونت علیه کودکان در خانواده می‌پردازیم.

بند یکم - آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت همسران

خشونت بین همسران به سه شکل امکان ظهور دارد. خشونت زن علیه شوهر، خشونت مرد علیه همسر و خشونت متقابل همسران، اما به دلایل تاریخی و نقص تعاریف اولیه خشونت که به جبر و زور تکیه دارند، خشونت زن علیه شوهر معمولاً مغفول مانده^۶ و همانند

۱. اردشیر امیراجمند، «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، ۲۵-۲۶ (۱۳۷۸)، ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲. Tibbitts, Felisa, Human Rights Education, Encyclopedia of Peace Education, Teacher College Columbia University, <http://www.tc.edu/centers/epe/>, p. 3.

۳. Sibling Violence.

۴. Elder Abuse.

۵. همتی، پیشین ۱۰.

۶. به نظر اتو پلاک (Otto Pollak) علت این امر نقش‌های زنان در خانواده و اجتماع (همسری، مادری، خانه‌داری و غیره) که در

بزهکاری زنان به دشواری کشف می‌شود یا ترجیحاً مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.^۱ به این شکل بیشتر (تمام) متون خشونت خانوادگی به خشونت مردان علیه همسران توجه نموده‌اند و این مسأله مهم را به فراموشی سپرده‌اند. ما نیز بنا به سنت موجود، بحث را با خشونت مردان علیه همسران ادامه می‌دهیم.

این نوع خشونت می‌تواند به اشکال مختلفی بروز کند، ولی بسیاری از خشونت‌های اعمال شده بر زنان در خانواده برای کنترل تمایلات جنسی زنان پیش می‌آید. (دو نظریه مشهور در این باره وجود دارد؛ یکی نظریه همسر نگرهبان و دیگری نظریه پدرسالاری)^۲ که البته بر تمامی جنبه‌های زندگی آنها اثر سوء دارد.^۳ ساده‌ترین نوع خشونت علیه زنان در خانواده، خشونت‌های اقتصادی است که شامل کنترل کامل بر دخل و خرج و سایر منابع اقتصادی و فعالیت‌های آنهاست به طوری که زنان برای ضروری‌ترین نیازهای خود وابسته به شوهر هستند و کنترلی بر اقتصاد خانواده ندارند.^۴

خشونت علیه همسران در خانواده، عوارض زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی زنان دارد همچنین از پیامدهای خشونت علیه همسر افزایش احتمال کودک آزاری است.^۵ این امر نوعی عقده‌گشایی یا انتقام‌گیری از سوی زنان در مقابل این نوع خشونت‌هاست که خود آموزش عملی خشونت به نسل‌های آتی است (چرخه خشونت). همچنین زنانی که از سوی همسران‌شان مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، فرزندان مستبد، بدون اعتماد به نفس و ناپه‌نچار (روحی و جسمی) پرورش می‌دهند که عوارض آن حتی تا پایان عمر نزد آنها باقی می‌ماند

محیط‌های بسته ایفا می‌شود یا فرزندان که نوعاً توانای اعلام آن‌را ندارند یا رویه رفتار جوانمردانه و همراه با گذشت مسؤولان، تصمیم‌گیران و مجریان و محققان و کسانی است که مورد خشونت واقع شده‌اند به‌ویژه اگر مرد (همسر) باشند. (علی حسین نجفی ابرندآبادی، «زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری» در نسرين مهرا، «زن و حقوق کیفری»، مجموعه مقالات، نتایج کارگاه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته حال، آینده، (تهران: ۱۳۸۳)، سلسبیل، (۱۳۸۴)، ۱۰۸ و ۱۰۹).

۲. خشونت زنان علیه همسران به اشکال مختلفی ظهور می‌کند (تعیین خشونت در چارچوب جنسیت و وظایف زن) که شامل شوهرکشی (معمولاً از سم استفاده می‌کنند یا از افراد دیگر کمک می‌گیرند)، قطع عضو (به‌ویژه آلت تناسلی)، اسیدپاشی و سوزاندن، کودک آزاری (کتک‌زدن و شکنجه فرزندان برای انتقام یا مقابله به مثل یا تحریک شوهر)، خیانت به شوهر (زنا یا سایر روابط نامشروع)، خشونت‌های کلامی (فحاشی، تحقیر، غرغر کردن، تهمت‌زدن، بدگویی و غیره)، عدم انجام وظایف زناشویی (خاص یا عام) و سایر موارد است.

3. Figueredo, Aurelio & Jose, McCloskey L. A., *Sex, Money, and Paternity: The Evolutionary Psychology of Domestic Violence*, Department of Psychology, University of Arizona, Elsevier Science Publishing, 1993, p. 354.

4. Peters, j. & T. K. Shackelford, D. M. Buss, *Understanding Domestic Violence against Women: Using evolutionary Psychology to Extend the Feminist Functional Analysis*, Violence and Victims, Volume 17, Number 2, April 2002, p. 263.

5. I. Fawole, *Olufunmilayo, Economic Violence to Women and Girls Is It Receiving the Necessary Attention? Trauma, Violence, & Abuse*, Vol.9, Issue: 3, 2008, p. 168.

و با افزایش شمار این افراد تحمل خشونت در جامعه بالا می‌رود (عدم حساسیت)^۱ که زمینه‌ساز نهادینه شدن خشونت و نفوذ آن در فرهنگ جامعه است.^۲ البته گفته می‌شود که خشونت‌های خانوادگی در بسیاری موارد ریشه فرهنگی دارند.

آموزش خشونت در میان همسران از خانواده (نزد والدین) آغاز می‌شود، پس اولین قدم در جلوگیری و آموزش علیه خشونت همسران و قطع چرخه خشونت نیز باید در خانواده انجام گیرد. این امر با آموزش والدین و اصلاح آگاهانه رفتار آنها که الگوی کودکان واقع می‌شود، امکان‌پذیر است. در وهله دوم آموزش اجتماعی برای شناخت زن و حقوق انسانی و اجتماعی او، نحوه برخورد و گفت‌وگو با زنان، احترام به شخصیت انسانی زن در اجتماع با تأکید بر برابری زن و مرد و سایر موارد مفید که حائز اهمیت است به صورت آموزش عمومی در مدارس و رسانه‌های گروهی و سایر روش‌های آموزش عمومی جهت اصلاح موقعیت و جایگاه زنان انجام می‌گیرد. نفی بسیاری از انگاره‌های القا شده در مورد زنان که ریشه در فرهنگ دارد و شناساندن جلوه‌های مختلف خشونت علیه زنان برای ایجاد حساسیت و واکنش جامعه باید مورد آموزش قرار گیرد، در کنار آن آموزش زوج‌های جدیدی که می‌خواهند تشکیل خانواده دهند برای به دست آوردن مهارت‌های لازم جهت کنترل و مهار خشونت و ایجاد حس مسؤولیت در آنها نسبت به خود، دیگران و نسل‌های آتی لازم است و از همه مهم‌تر آموزش‌های ویژه زنان و دختران برای آگاهی از حقوق فردی و آزادی‌های اساسی خود (حقوق بشر و حقوق مدنی) و نقد الگوهای موجود که زن را از جایگاه انسانی خود دور می‌کند و توانمندسازی آنها در به عهده گرفتن مسؤولیت و مشارکت مؤثر در زندگی خانوادگی و اجتماعی و آگاهی دادن از وجود نهادهای حمایتی NGO's و نحوه استمداد از آنها برای جلوگیری از اعمال خشونت یا کاهش اثرات آنها و همچنین آموزش‌های حقوقی (شهروندی) برای بهره‌مندی از دستگاه قضایی در صورت لزوم است. آنها همچنین باید از خشونت‌های رایج و نحوه مقابله با آنها آگاه شوند و فعالانه در قطع چرخه خشونت مشارکت نمایند. البته زنان سهم عمده‌ای در آموزش نسل آتی و در واقع معماری فرهنگی جامعه دارند و آموزش مؤثر به آنها، خود فرهنگ‌سازی علیه خشونت است. در کنار این آموزش‌ها، آموزش حرفه‌ای به افراد پلیس، قضات، معلمان، مددکاران اجتماعی و سایر افراد نیز که ارتباط حرفه‌ای با زنان دارند، باید مورد توجه قرار گیرد.

این آموزش‌ها باید به مردان و زنان قدرت شناخت انواع خشونت‌های معمول در محیط

۱. قطعنامه خشونت در خانواده ۱۹۹۵.

۲. جلوه‌های دیگر خشونت علیه همسران قطع نفقه یا خشونت‌های اقتصادی، وادار کردن به همخوابگی و روسپیگری، توهین، نزدیکی به زور، تهدید و فحاشی، بدرفتاری، تحقیر و سایر موارد است.

خانواده، نحوه زندگی بدون خشونت و نحوه تعامل درست و منطقی با توجه به شأن انسانی، برابری، برادری، گفت‌وگو، مذاکره و مشارکت در محیط خانواده و اجتماع، توانمندسازی زنان و وارد کردن آنها در چرخه اقتصاد و رساندن آنها به استقلال مالی و البته در صورت وقوع خشونت کاهش عوارض خشونت (مشاوره، درمان، اصلاح و پی‌گیری قضایی) را بیاموزد.

بند دوم - آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت علیه کودکان (خانواده)

خشونت علیه کودکان به اشکال مختلفی از جمله:

الف - خشونت جسمانی؛

ب - خشونت عاطفی؛

ج - خشونت جنسی؛

د - بی‌توجهی، ظاهر می‌شود.

خشونت جسمانی:^۱ شامل هر عمل عمدی است که نتیجه آن صدمه رساندن به کودک است، مانند ضربه زدن، بریدن، لگد زدن، سیلی زدن، هل دادن، حمله‌ور شدن، کتک زدن با اشیاء، داغ زدن و موارد دیگری از این دست.

خشونت عاطفی:^۲ یا بدرفتاری روانی^۳ به‌عنوان عملی لفظی تعریف می‌شود که در آن یک فرد بزرگسال به خود پنداره و شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند مانند تمسخر، اهانت، تهدید یا تحقیر کودک. هر چند خشونت عاطفی به تنهایی رُخ می‌دهد محققان این نوع از خشونت را به‌عنوان جزء اصلی و نیروی تخریبی اصلی در تمامی انواع خشونت علیه کودکان می‌دانند.

انواع خشونت عاطفی علیه کودکان شامل:

۱. طرد کردن (رفتاری بیانگر بی‌زاری از کودک یا رفتار تبعیض‌آمیز و عدم کمک به کودک یا وانمود کردن به اینکه نیازی به کمک ندارد).
۲. خوار کردن (معمولاً با واژه‌های تحقیرکننده).
۳. ارباب (تهدید به آزار جسمی و اجبار به مشاهده خشونت علیه اشیای مورد علاقه او).
۴. فاسد کردن (یاد دادن و تشویق بزهکاری، مناسب نشان دادن الگوهای ضد اجتماعی).

1. Physical Abuse.

2. Emotional Abuse.

۳. خشونت عاطفی شامل توهین، فحاشی، بیرون کردن از خانه، زندانی کردن، تهدید، ترساندن، محروم کردن از ملاقات دوستان یا بازی و تفریح، شکستن غرور، قطع پول توجیبی، تبعیض، وادار به انجام کار کردن، دادکشیدن بر سر کودک را شامل می‌شود. (صمد رسول‌زاده اقدم، «عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱) ۹۹.

۵. استثمار کردن (استفاده از کودک در نقش خدمتکار به جای تحصیل).

۶. انکار تعهدات عاطفی (رفتار ماشینی با کودکان، در آغوش نگرفتن، نوازش نکردن، نبوسیدن، صحبت نکردن و نادیده گرفتن تلاش‌های او برای تعامل)^۱ کودک را شامل می‌شود.

خشونت جنسی:^۲ خشونت جنسی عبارت است از اینکه بزرگسالان یا بچه‌های بزرگ‌تر از یک کودک برای ارضای جسمانی استفاده کنند که به دو شکل تماسی، شامل لمس کردن بدن کودک یا اجبار کودک به لمس جنسی عامل خشونت، تجاوز کردن، مقاربت و همجنس‌بازی و غیره است و شکل غیرتماسی آن، شامل نشان دادن آلت تناسلی به کودک یا عکس‌های مستهجن و رفتار جنسی می‌گردد.

بی‌توجهی: این نوع خشونت شامل خودداری والدین از محبت و نوازش، جلوگیری کودک از رفتن به مدرسه، عدم توجه به تغذیه و سلامتی کودک می‌گردد و هر آنچه مربوط به وظایف والدین در تربیت و حفاظت کودک (حضانت) است.^۳

تجربه مستقیم کتک خوردن یا غیرمستقیم خشونت یعنی مشاهده خشونت والدین تأثیرات متعددی روی کودکان دارد و نه تنها احتمال تبدیل شدن آنها به والدین خشن را افزایش می‌دهد (چرخه خشونت) بلکه تأثیر سوء بر کارکردهای اجتماعی و رفتاری و یادگیری آنها می‌گذارد. به این شکل خشونت نه تنها بر فرد قربانی اثر می‌گذارد، بلکه تأثیرات جنسی آن دامن سایر افراد جامعه را نیز می‌گیرد.^۴ در مورد خشونت علیه کودکان ما به همین موارد بسنده می‌کنیم.

احترام به خود پایه و اساس احترام به حقوق دیگران است که باید در اوایل زندگی و زمانی که خود پندارهای شخص شکل می‌گیرد به او آموزش داده شود. عزت نفس و احترام به خود در محیط خانواده ایجاد می‌شود و هر درس حقوق بشری به کودکان باید حامل این مفهوم باشد که هر انسان خود فی‌نفسه ارزشمند و غایب است. آموزش حقوق بشر با القای خود ارزشمندی به کودکان، سنگ بنای احترام به خود و به دیگران را بنیان می‌گذارد. در رابطه با آموزش حقوق بشر برای جلوگیری از خشونت علیه کودکان، آموزش در چهار جبهه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اولین قدم در این راه، آموزش والدین در نحوه برخورد با کودک و رعایت حقوق او^۵ و اصلاح رفتار خود از جهت آموزش نسل آتی است (تقلید کودک از رفتار والدین). دوم آموزش کودکان است، در جهت آشنایی با حقوق خود و روش‌های استفاده از کمک نهادهای حمایتی برای

۱. همان، ۶ و ۷.

2. Sexual Abuse.

۳. رسول‌زاده اقدم، پیشین، ۵ - ۸، ۹۹ و ۱۰۰.

۴. همتی، پیشین، ۴.

5. Brochman, Helge & Eldrid, K. Midttun, Ibid, p. 99.

حمایت و محافظت از او در شرایط خاص. سوم آموزش تخصصی معلمان، قضات، مأموران پلیس و کلیه افرادی است که با کودکان در تماس حرفه‌ای هستند و باید در مورد حقوق کودک آموزش دیده و روش‌های مناسب برخورد با کودکان را بیاموزند. چهارم آموزش عمومی کلیه افراد جامعه برای شناخت انواع خشونت علیه کودکان و روش‌های جلوگیری و مهار آن است. بالارفتن آگاهی مردم و اطرافیان نیز برای خشونت‌زدایی از رفتار با کودکان در محیط خانواده بسیار ضروری است و سبب می‌شود، اولاً در موقعیت‌های مشکل‌ساز بتوان والدین خشن را راهنمایی کرد و همچنین در هنگام مشاهده خشونت آن را به مراکز رسمی گزارش داد.^۱ برای این نوع آموزش، استفاده از رسانه‌های گروهی، کتابچه‌های تبلیغاتی، کلاس‌های توجیهی و تخصصی مفید به نظر می‌رسد که باید منجر به ایجاد اصلاح فرهنگی جامعه شود. جز خانواده، مدرسه نیز نقش مهمی در آموزش ضد خشونت علیه کودکان دارد. کودکان در مدرسه، نوعی زندگی اجتماعی را تجربه می‌کنند که اگر به درستی هدایت شود نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتاری کودکان و نوجوانان خواهد داشت. روش‌های دمکراتیک اداره مدرسه و کلاس (خشونت‌زدایی از مدرسه)، تنبیه انسانی و نه انتقام‌گیری و کینه‌جویی، دخالت مؤثر دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها، آموزش تفکر انتقادی،^۲ اصلاح کتاب‌های درسی هم از نظر شکل و هم از نظر محتوای آنها و حذف عوامل ترویج خشونت (خشونت‌زدایی از کتاب‌های درسی) و به‌طور کل اعمال رویکرد مبتنی بر حقوق بشری در روند آموزش،^۳ یاد دادن حقوق کودک در محیط منزل به او و آموزش واکنش درست در مقابل خشونت‌های خانگی و نحوه استفاده و مراجعه به نهادهای حمایتی در صورت نیاز از جمله این آموزش‌هاست. در مورد کودکان می‌توان از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش بر حسب توانایی‌های آنها برای یادگیری بهره‌جست، رفتار معلم به‌عنوان الگو و همچنین استفاده از تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و سایر سرگرمی‌ها می‌تواند در آموزش آنها مورد استفاده قرار گیرد. روش‌های نمایش (تئاتر)، بازی، نشست‌ها و گردهمایی‌ها، همایش‌ها تهیه کتابچه روزنامه، معرفی الگوهای موفق، گروه‌های کاری، ورک‌شاپ‌های آموزشی Work Shop، بررسی پرونده Case Study، کلینیک حقوقی Legal Clinic، دادگاه مجازی Moot Court و حقیقت‌یابی در کنار کلاس‌های درس، نقش مؤثری در یادگیری مهارت‌های حقوق بشری دارد که بسته به گروه هدف ارائه می‌شود. همچنین با آموزش رسانه‌ای نیز می‌توان برای عموم مخاطبان به ترویج فرهنگ درست برخورد با کودکان در سطح جامعه پرداخت.

۱. رسول‌زاده اقدم، پیشین، ۲۰۷.

2. Brochman, Helge & Eldrid, K. Midttun, Ibid, p. 99.

3. Plan of Act, Ibid, p. 2.

مبحث دوم - آموزش حقوق بشر و نفی خشونت‌های اجتماعی

خشونت اجتماعی به خشونت‌های فردی و گروهی اطلاق می‌شود که در رقابت با قدرت دولت نباشد.^۱ گاهی عکس‌العمل افراد در برخورد با زندگی مدرن به صورت ستیز و پرخاش تجلی می‌نماید. اما گاهی هم خشونت بدون هیچ‌گونه هدف خاصی واقع می‌شود که فقط رضایت بی‌حاصل مرتکب را فراهم می‌کند. گاه خشونت به صورت عمل حاد و آنی و بدون هیچ‌گونه نقشه قبلی اتفاق می‌افتد و گاه برعکس به صورت اعمال حساب شده و با طرح و نقشه‌های قبلی تحقق می‌یابد.^۲ آنچه مسلم است، خشونت در تمام قسمت‌های زندگی اجتماعی نفوذ نموده و در بسیاری موارد جان‌نشین مذاکره و روش‌های مسالمت‌آمیز دیگر شده است، در بسیاری از موارد نیز خشونت به‌عنوان وسیله وصول به اهدافی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد، همچنین فقر و نابرابری‌های اقتصادی رابطه مستقیمی در بروز خشونت‌های کیفی جامعه دارد.^۳ دامنه خشونت‌های اجتماعی بسیار وسیع بوده و تمام گوشه‌های فرهنگی اجتماع و روابط اجتماعی همچون خشونت‌های کار و کارگری، خشونت ورزشکاران^۴ و تماشاگران، همچنین هویت‌یابی جوانان، گروه‌ها و اقلیت‌ها را دربرمی‌گیرد. اصلاح وضعیت خشونت در اجتماع امری کند و تدریجی است و علت کندی آن را می‌توان در فقدان منابع انسانی و طبیعی، مخالفت ارزش‌های حاکم، مخالفت صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی، بسته بودن جامعه و جدایی از سایر جوامع دیگر انسانی جست‌وجو کرد.^۵

آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت اجتماعی ابتدا شامل آموزش‌های پایه و عمومی برای تمام افراد جامعه است. زیرا این نوع آموزش‌ها ضمن اینکه یکی از حقوق بشری است، (حق بر آموزش) نیز زمینه‌ساز و زیربنای سایر آموزش‌هاست. شناخت اقوام و ملل، ادیان و مذاهب، نژادها و زبان‌های دیگر، برای در نظر گرفتن آنها و آگاهی از اشتراکات انسانی و حقوق انسانی آنها و چگونگی تعامل و پذیرش دیگران و تقویت حس برابری و برادری با سایرین، آموزش عمومی برای شناخت گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله اقلیت‌ها، زنان، کودکان

1. Fox, Sean & k., Hoelscher, *The Political Economy of Social Violence: Theory and Evidence from a Cross - Country study*, Crisis States Working Papers Series No.2, 2010, p.2.

2. آلن، پرفیت، پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه محسنی مرتضی، (تهران: کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۷۸)، ۲۸ و ۶۵.

3. Fox, Sean & k., Hoelscher, *Ibid*, pp. 4-5.

4. خشونت بین ورزشکاران شامل زد و خُرد و کتک‌کاری، خطاهای عمدی، تقلب و تباخی را شامل می‌شود. خشونت هواداران و تماشاچیان نیز شامل قتل، ضرب و جرح، کتک‌کاری، تخریب اموال عمومی یا ویرانگری، است که به صورت سازمان‌یافته عمل می‌کنند و رهبران آنها را معمولاً افراد بیکار تشکیل می‌دهند که در شرایط عادی نیز رفتاری غیراجتماعی یا ضداجتماعی دارند. (علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، «رویکرد جرم‌شناسی به خشونت در ورزش (بحثی در زمینه جرم‌شناسی عملیات ورزشی)»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۳۰-۳۹، (۱۳۷۹)، ۳۳۷ و ۳۳۸).

5. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غ، توسلی و ر، فاضل (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰)، ۴۸۴.

و افراد ناتوان و ایجاد احساس مسؤولیت در قبال حقوق آنها، آموزش روش‌های مناسب ابراز وجود و هویت‌یابی از روش‌های صحیح و ایجاد زمینه‌های مناسب برای اظهار وجود فردی و گروهی در چارچوب آزادی‌های فردی و گروهی، ترویج و آموزش شیوه رفتاری برای ایجاد شهروندان مسؤول و آگاه، تبدیل خدمت‌سربازی^۱ به خدمت مدنی، آموزش روش‌های حل تعارض، مذاکره، تعامل و تصمیم‌گیری، آگاه‌سازی مردم از حقوق خود و اصول دادرسی عادلانه و نهادهای مربوطه، ترویج بردباری و تساهل نسبت به عقاید دیگران، آموزش‌های ضد اعتیاد، الکل و فحشا، آموزش دموکراسی و مشارکت عمومی، خشونت‌زدایی و اصلاح قوانین، مبارزه با فقر و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد،^۲ همچنین آموزش‌های تخصصی مهندسان، شهرسازان برای توجه به نیازهای انسانی و محور قرار دادن انسان در شهرسازی، آموزش قضات و قانونگذاران برای خشونت‌زدایی از قوانین و اصلاح سیاست‌های کیفری، آموزش نیروهای پلیس، امنیتی و زندانبانان^۳ برای آشنایی با انواع خشونت مرتبط با کارشان و حقوق بشری افراد و ارائه روش‌های انسانی در برخورد با مجرم، آموزش روزنامه‌نگاران، سازندگان برنامه‌های رادیو، تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای، نویسندگان و هنرمندان در رابطه با ابعاد مختلف خشونت و پرهیز از آن و به‌کارگیری ادبیات حقوق بشری و ترویج روش‌های جایگزین خشونت در کارهای خود، آموزش معلمان برای خشونت‌زدایی از مدارس و مشارکت دانش‌آموزان در اداره مدارس، آموزش ورزشکاران و تماشاگران و هر آنچه را در برمی‌گیرد که مرتبط با زندگی شهروندان است و سبب توانمندسازی فردی، گروهی و اجتماعی در مقابل چرخه خشونت می‌شود.

روش‌های آموزش عمومی برای هر یک از هدف‌های آموزشی باید متناسب با توانایی‌ها و امکانات موجود انتخاب شود که به‌طور اختصار در فصل‌های قبل از آنها صحبت شد. از میان خشونت‌های اجتماعی به علت اهمیت موضوع به خشونت‌های فرهنگی و خشونت علیه زنان خواهیم پرداخت. فرهنگ مشخصه اصلی یک جامعه انسانی است، به طوری که فرهنگ و جامعه جدای از هم معنا ندارند.^۴ با این حال خشونت فرهنگی و فرهنگ خشونت زمینه‌ساز و حمایت‌کننده

۱. سنت سربازی و وجود ارتش‌های حرفه‌ای و ثابت برای دفاع، از نظر کانت خود نوعی تهدید برای کشورهای دیگر است. (محمدحسین صبوری، «صلح پایدار در فلسفه کانت» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی: ۱۳۸۰) ۱۰۷) و ایجاد زمینه‌ای برای خشونت مقدس است. (ایوان کولوویک، «ضمیر ناخودآگاه و جنگ»، پیام یونسکو، ۲۷۳ (۱۳۷۲)، ۲۲). زیرا مبنای آن بر پیش فرض دشمن‌انگاشتن دیگران قرار گرفته، دیگرانی که دائماً در صدد حمله و تعرض به ما (ملت یا کشور) هستند و اعمال هر خشونت‌تی علیه آنها حق مسلمی در دفاع از خود، کشور و ملت است.

2. Fox, Sean & k., Hoelscher, Ibid, p.5.

۳. در این مورد به اسنادی همچون اصول اساسی رفتار با زندانیان، قواعد توکیو، اصول اساسی استفاده از اسلحه و زور توسط ضابطین قانون می‌توان اشاره کرد.

۴. کوئن، پیشین، ۵۶.

سایر انواع خشونت‌های اجتماعی است، در قسمت بعد به موضوع آموزش حقوق بشر برای اصلاح خشونت در عرصه فرهنگی خواهیم کرد.

بند یکم - آموزش حقوق بشر علیه خشونت فرهنگی

خشونت فرهنگی مبین جلوه‌هایی از فرهنگ است که خشونت مستقیم یا ساختاری را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشد.^۱ خشونت ساختاری به‌طور ریشه‌دار و عمیق در سنت‌ها، آداب، رسوم، قانون، روش زندگی، نهادهای اجتماعی، هنر، علوم، دین، ایدئولوژی، شهرسازی و تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی نفوذ دارد و انسان را احاطه کرده، به‌طوری که فرد ناخودآگاه در این زندان شیشه‌ای اسیر است و البته خود او نیز مولد این فرهنگ است و آن را ترویج کرده و به نسل‌های بعد منتقل می‌کند (باز تولید خشونت).

فرهنگ خشونت سبب می‌شود نسل جوان هر نوع خشونت و جنگ را امر طبیعی و غیرقابل اجتناب دانسته و حتی آن را پدیده‌ی کاملاً مشروعی تصور کند.^۲ تغییر این باور که جنگ و خشونت هر چند همه‌گیر و دائمی، قابل اجتناب است فقط با تغییر ذهنیت جنگ طلب یا خشونت طلب ممکن است که کاری بسیار کند و تدریجی است.

اولین قدم در ایجاد فرهنگ عاری از خشونت بازنگری در زبان، ادبیات، هنر، معماری، شهرسازی و سایر ابعاد فرهنگی جهت خشونت‌زدایی از آنهاست و همزمان جایگزین کردن روش‌های مناسب و معماری فرهنگی بر اساس آموزه‌های حقوق بشری با روابط خشونت بار موجود است. از آنجا که دایره فرهنگ بسیار وسیع است حرکت در آن کند و بطیء ولی کاملاً ضروری است، زیرا بدون نهادینه شدن و شکل‌گیری فرهنگ ضدخشونت نمی‌توان به دوام و استمرار مبارزه با خشونت و ایجاد فرهنگ صلح امید داشت.

البته تمام تلاش‌های انجام گرفته در جامعه برای مبارزه با خشونت و آموزش حقوق بشر و استقرار صلح بر فرهنگ جامعه اثرگذار خواهد بود؛ ولی این تلاش‌ها وقتی ثمربخش خواهد بود که به ریشه‌های خشونت‌های ساختاری و مستقیم در فرهنگ جامعه توجه شود و با قطع چرخه خشونت و اصلاح وضعیت به سوی روابط صلح‌آمیز منجر به اصلاح خشونت‌های شایع در جامعه و ایجاد سرمایه‌های فرهنگی^۳ برای سایر نهادهای اجتماعی و روابط انسانی

2. Ho, Kathleen, Ibid, p. 5.

۳. کوفی عنان، «پیشگیری از مناقشات مسلحانه»، گزارش دبیر کل، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل (۱۳۸۱)، ۸۰.

۱. سرمایه فرهنگی را جامعه‌شناس فرانسوی پیر بوردیو Pierre Bourdieu ابداع نمود و مفهوم آن تمرکز و انباشت انواع کالاها، ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل است.

<http://fa.m.wikipedia.org/wiki>.

گردید تا روابطی مبتنی بر حقوق بشر و صلح جایگزین روابط و نهادهای خشونت بار گردد و به این شکل به اهداف آموزش حقوق بشر برای نفی خشونت دست یافت.

بند دوم - آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت علیه زنان

هر چند خشونت علیه زنان و خشونت علیه همسران در دو دسته متفاوت قرار می‌گیرد اما این دو موضوع قرابت زیادی با هم دارند. خشونت علیه زنان مکانیسم اجتماعی مهمی است که با آن زنان ناگزیر به پذیرش وضعیت سلطه‌پذیری خواهند شد. به علت اهمیت موضوع سازمان بهداشت جهانی آن را پدیده‌ای جهانی معرفی کرده است و سازمان ملل نیز در «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان»^۲ در سال ۱۹۹۳، خشونت علیه زنان را در خانواده و جامعه امری رایج عنوان می‌کند که از مرزهای درآمد، طبقه و فرهنگ گذشته و مانعی جدی در جهت نیل به برابری، توسعه و صلح گردیده است. در ماده یک اعلامیه، خشونت علیه زنان «به هرگونه عمل خشونت بار بر پایه جنسیت (خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی) که آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی یا تحمیل رنج به زنان منتهی شده یا احتمال رنج و آزار آنها را (تهدید به انجام این اعمال، محروم‌های اجباری یا خودسرانه خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی) موجب می‌شود» تعریف شده است و در ماده ۲ آن نیز مصادیقی از خشونت علیه زنان را بیان نموده است که شامل:

الف - خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در خانواده شامل کتک زدن، سوءاستفاده جنسی از دختران در محیط خانه، خشونت‌های مربوط به جهیزیه، روابط زناشویی از روی اجبار، ناقص کردن اعضای تناسلی زن و دیگر اعمال سنتی خشن نسبت به زنان، خشونت جنسی غیر زناشویی و خشونت‌های مربوط به بهره‌کشی از زنان ذکر گردیده است.

ب - خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در جامعه شامل تجاوز، سوءاستفاده جنسی، آزار جنسی و تهدید در محل کار مانند مؤسسه‌های آموزشی و دیگر مکان‌ها، تجارت و خرید و فروش زنان و روسپیگری اجباری ذکر شده است.

ج - خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی که دولت در هر مکان و موقعیت آنها را تشویق یا انجام می‌دهد.^۳ با این حال در این باره مصادیقی از آن ذکر نشده است.

۲. خشونت علیه همسران بیشتر جنبه خانوادگی و خشونت علیه زنان بیشتر جنبه اجتماعی دارد.

3. www.un.org/documents/ga/res/48/a48r104.htm, Declaration on the Elimination of Violence against Women (General Assembly resolution 48/104 of 20 December 1993).

۱. نسرین مهرا، «زن و حقوق کیفری» (مجموعه مقالات، نتایج کارگاه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته حال، آینده، آذر ۱۳۸۳) تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴، ۳۶۱.

در بند ۱۱۴ سند کنفرانس پکن^۱ نیز خشونت علیه زنان را به هرگونه آزار مبتنی بر جنسیت که منجر به ایذای جسمی، جنسی، روانی، تهدید، محروم کردن خودسرانه از آزادی چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی، تعریف شده است و از مصادیق آن ایراد ضرب، سوءاستفاده جنسی از دختران، نزدیکی به زور، خشونت زناشویی یا تجاوز به همسر^۲، خشونت در رابطه با میزان جهیزیه، سوءاستفاده جنسی، آزار جنسی، ارباب در محیط‌های کاری و آموزشی و دیگر محل‌ها، دادوستد زنان^۳ و روسپیگری اجباری^۴ را ذکر کرده‌اند.

آموزه‌های حقوق بشری برای جلوگیری از خشونت علیه زنان بیشتر بر ترویج برابری در میان جنس‌ها تمرکز دارد. این برابری باید در خانواده و مدارس به کودکان آموزش داده شود و در رفتارهای والدین و معلمان مشهود باشد. نقد و بازنگری در سنت‌ها، اسطوره‌ها و داستان‌ها (و حتی کتاب‌های درسی) و به‌طور کلی فرهنگ جامعه در رابطه با نقش زن و مرد، احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران به‌ویژه دختران و زنان، آموزش‌های خاص زنان و دختران برای آگاهی از حقوق خود و نحوه انتفاع از آنها، اطلاع‌رسانی و ایجاد حساسیت به خشونت علیه زنان و آثار منفی آن در اجتماع، توانمندسازی زنان برای مشارکت‌های اجتماعی مؤثر و به‌طور خاص در فعالیت‌های اقتصادی، اطلاع‌رسانی در مورد نهادهای سازمان‌ها و (NGO's) حمایتی، ترویج مذاکره، گفت‌وگو و دموکراسی، آموزش‌های حرفه‌ای برای قضات، پزشکان، نیروهای پلیس، زندانبانان، معلمان و کلیه افرادی که ارتباط حرفه‌ای با زنان دارند، آموزش‌های عمومی در مدارس و رسانه‌ها برای آگاهی از حقوق زنان، آگاه‌سازی و روشننگری در مقابل حمایت‌های یک‌جانبه و واکنش‌ها از حقوق زن، آموزش والدین برای آموزش فرزندان و خشونت‌زدایی از رفتارهایشان در محیط خانواده و آموزش‌های دیگر که در قسمت‌های قبل اشاره شد، آن هم با روش‌ها و راه‌های که متناسب با شرایط و امکانات انتخاب می‌شود، برای ممانعت از خشونت علیه زنان قابل استفاده است.

۱. کنفرانس پکن (۱۹۹۵) چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان است، سه کنفرانس قبلی در مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵) برگزار شد. در سال ۲۰۰۰ در بیست‌وسومین اجلاس ویژه مجمع عمومی در پی‌گیری برنامه اقدام پکن، بر مقابله با خشونت علیه زنان تأکید شد. (علی‌ایثاری کسمایی، «حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد»، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد (۱۳۸۴)، ۲۱۲.

3. Marital Rape

۳. شبکه‌های بین‌المللی فحشا و خرید و فروش زنان یک کانون عمده جنایت سازمان‌یافته بین‌المللی است و قربانیان در معرض انواع خشونت‌ها و ابتلا به ایدز قرار دارند. (حسین مهرپور، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی، چاپ دوم (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶)، ۳۰۴.

۴. البته روسپیگری اختیاری در اثر فقر یا ضدیت با شعایر اجتماعی نیز می‌تواند جلوه‌هایی از خشونت باشد.

مبحث سوم - آموزش حقوق بشر برای نفی سایر اشکال خشونت

همان‌طور که گفته شد خشونت در تمامی روابط و نهادهای اجتماعی جایی برای خود باز نموده است که از این میان دو نهاد اقتصاد و سیاست به دلیل اهمیت خاص آن در اجتماع انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. خشونت اقتصادی از نظر ارتباط آن با نیازهای اولیه انسانی، تأمین اجتماعی و رفاه و خشونت سیاسی از نظر کنترل و تقسیم قدرت سیاسی در داخل کشور و ارتباط با سایر کشورها مورد نظر است.

بند یکم - آموزش صلح و نفی خشونت‌های اقتصادی

هر چند خشونت اقتصادی ذاتاً یک نوع خشونت ساختاری است،^۱ اما جنبه‌های فردی آن نیز قابل چشم‌پوشی نیست. این خشونت‌ها با چهره‌های کاملاً مختلف و حتی متضاد، گاه به صورت حمله مسلحانه و جرایم گنگستری و هولدوپ یا تخریب محیط زیست نظر تمام مردم را به خود جلب می‌کند یا گاه برعکس دور از نگاه مردم و در خفا و به صورت جرایم مزورانه و مکارانه مثل کلاهبرداری، قاچاق و اختلاس صورت می‌پذیرد.^۲

شکاف‌های اقتصادی در جامعه امری بسیار قدیمی بوده و تبدیل این شکاف‌ها به محلی برای نزاع و خشونت موضوع مهمی است که تاریخ بشر را مملو از جنگ‌ها، انقلاب‌ها، پاکسازی‌ها، غارتگری‌ها، مصادره اموال و سایر خشونت‌ها نموده است. از طرف دیگر قشر برخوردار نیز با تمام توان سعی در حفظ وضعیت موجود داشته و از زور، خشونت، ترویج خرافه و استفاده از آموزه‌های ادیان، استعمار، برده‌داری، مالیات‌های ظالمانه، توسعه فقر و گداپرووری، رانت‌خواری، ضایع نمودن حقوق کارگران و برخوردهای غیرانسانی با آنها و سایر موارد دیگر برای نگهداشت برتری خود استفاده می‌نماید.

خشونت‌های اقتصادی ریشه‌های متنوعی دارد و اصلاح آن با آموزش حقوق بشر راه طولانی و سختی است، زیرا بسیاری از این خشونت‌ها با فرهنگ حمایت می‌شود. فرهنگ مادی‌گرایی، لذت‌جویی افراطی، بی‌مسئولیتی نسبت به دیگران و نسل‌های آتی، بی‌توجهی به محیط زیست، خودخواهی (فردگرایی افراطی) و تفکر مبتنی بر به‌دست آوردن حداکثر سود که استفاده از هر وسیله‌ای را برای رسیدن به هدف توجیه می‌کند و هر روز در رسانه‌ها، فیلم‌ها، رادیو و تلویزیون، کتاب‌ها، در جمع خانواده‌ها و جامعه ترویج می‌شود و هدف ناخودآگاه بسیاری از افراد جامعه قرار می‌گیرد ترویج‌کننده خشونت‌های اقتصادی است.

1. Galtung, Johan, *Culture Violence, Journal of Peace Research*, Vol. 27, No.3, 1990, p. 291.

۲. سایر انواع این نوع خشونت شامل نقض حق کپی، مالکیت معنوی Intellectual Property پولشویی Money Laundering، رشاء و ارتشاء، اختلاس و حیف و میل اموال عمومی، دلالتی نفوذ است. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد (تهران: دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی، نشر گرایش، ۱۳۸۴)، ۱۲.

آموزش حقوق بشر با محور قرار دادن انسان به جای پول و اقتصاد نقش مؤثری در فرایند خشونت‌زدایی از اقتصاد دارد. آموزش برادری، برابری، احترام به مالکیت خصوصی و آگاهی از حقوق خود و دیگران در دسترسی به کلیه حقوق انسانی، امکانات و منابع طبیعی و احساس مسؤلیت نسبت به آنها، حق داشتن اقتصادی سالم یعنی اقتصادی پویا و پایدار که بر مبنای توسعه انسانی شکل گرفته است که البته خود نیازمند انسان‌های آموزش دیده، متخصص و ماهر است که متناسب با پیشرفت جامعه و نیازهای آن آموزش دیده باشند (حق بر آموزش - حق کار)، آگاهی بر حق خود و اجتماع بر داشتن اطلاعات اقتصادی به‌طور برابر و در مورد قراردادهای دولتی و بین‌المللی و اثرات آن بر زندگی شهروندان و محیط زیست آنها، آگاهی از حق خود در مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و حق بر اطلاع‌رسانی همگانی در مورد مجرمان اقتصادی و اقدامات مسؤولان اقتصادی است. از طرف دیگر عوامل مؤثر در فرهنگ‌سازی جامعه از جمله هنرمندان و رسانه‌ها باید نسبت به اثری که بر مخاطب می‌گذارد آگاه شده و با نفی خشونت اقتصادی به ترویج فرهنگ اقتصادی سالم مبتنی بر انسان محوری، تقبیح فساد مالی و پول‌های کثیف و ثروت‌های بادآورده و ارزش نهادن به انسان به جای پول و ترویج فرهنگ کار و تلاش بپردازند. از طرفی آموزش حرفه‌ای مسؤولان اقتصادی، قانونگذاران و کارمندان در مورد حقوق اقتصادی مردم و نحوه بهره‌مندی آنها، استفاده و اهمیت مشارکت مردم و حق آنها بر اطلاعات به‌طور برابر و حق بر جریان آزاد اطلاعات، آموزش آگاهی‌های محیط‌زیستی، آشنایی با اصول دولت شفاف و حکمرانی خوب، آشنایی با انواع فسادهای مالی، فقر و معرفی حقوق مردم (حق بر اشتغال، مسکن، رفاه، تأمین اجتماعی و غیره) را می‌توان نام برد. توسعه اقتصادی به‌عنوان حقی از حقوق بشر نیازمند زمینه‌سازی و اصلاحات فرهنگی برای تحقق آن است. در این مورد نیز بسته به امکانات باید از انواع روش‌های آموزشی تخصصی و عمومی بهره جست. این آموزش‌ها ضمن ایجاد آگاهی و توانمندی در افراد باید درخواست جامعه از افراد مسؤول برای اصلاح قوانین و پاسخگویی به مردم، شفافیت دولت و احقاق حق بر توسعه را به‌دنبال داشته باشد.

بند دوم - آموزش حقوق بشر برای مقابله با خشونت‌های سیاسی

خشونت‌های سیاسی نیز ریشه‌های عمیقی در جوامع بشری دارد. در ساده‌ترین و فراگیرترین معنای آن، خشونت سیاسی عبارت است از کاربرد مستقیم و غیرمستقیم زور و اجبار از سوی نیروها و بازیگران سیاسی علیه یکدیگر به‌منظور تخریب جسمی یا روانی و در نهایت نابودی یا وادار کردن آنها به انجام کاری بر خلاف میل‌شان و این کار زمانی انجام

می‌شود که احساس کنند موجودیت یا موقعیت، منافع و عقاید حیاتی آنها مورد تهدید قرار گرفته است و در آن حال یا از دیگر شیوه‌های مقابله با این وضع بی‌خبرند و یا آنها را کافی نمی‌دانند.^۱ خشونت سیاسی معمولاً به صورت داخلی و خارجی نمود می‌یابد.

خشونت‌های سیاسی داخلی را می‌توان در قالب نژادپرستی، نسل‌کشی، ضرب‌وشتم خارجی‌ان و مخالفان، ناپدید شدن اجباری و قتل مخالفان، اعمال پلیس^۲ و مأموران دولتی، انتقال اجباری جمعیت، پاکسازی قومی، خشونت‌های فرقه‌ای یا دینی (خشونت مقدس)، شورش و انقلاب و حتی جنگ‌های داخلی، حذف فیزیکی (ترور دولتی و ترور به‌دست گروه‌هایی که در حکومت نیستند)، زندان، شکنجه، مجازات در ملأ عام، انزوای سیاسی و ترور شخصیت مخالفان، خشونت‌های انتخاباتی^۳ و خشونت‌های سیستماتیک در قوانین، مقررات و رویه‌های غیردمکراتیک، محدود کردن مطبوعات و رسانه‌ها و سانسور و ایجاد دیکتاتوری^۴ جست‌وجو نمود.

در بُعد خارجی خشونت سیاسی، انواع تحریم‌ها، تروریسم بین‌المللی و تجاوز به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها، بدرفتاری با اسیران، سیاست مشت آهنین، سیاست زمین سوخته، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی^۵، عملیات پاکسازی قومی، سیاست تجاوز جنسی و جنگ حائز اهمیت است. جنگ شکل سازمان‌یافته و نهادینه شده^۶ و عریان خشونت است که به علت وسعت و نتایج آن بیش از انواع دیگر خشونت مورد توجه بوده و تلاش‌های صلح‌طلبانه و ضدخشونت با آن آغاز گردیده است.^۷

۱. ابوالفضل، دلاوری. «بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران» (پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۸)، ۱۵ و ۱۷.

۲. اهداف پلیس مدنی (پلیس ملی) با پلیس دولتی یا ولایی متفاوت است. گاهی پلیس وسیله اعمال مطامع سیاسی و ابزار دولتی می‌شود که برای حفظ وضعیت غیرقانونی، نقض حقوق بشر یا ارباب مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد و از اهداف واقعی، انسانی و ملی خود دور می‌شود.

۳. خشونت‌های انتخاباتی به هرگونه عمل یا رفتاری که به‌صورت تصادفی یا سازماندهی شده باعث صدمات فیزیکی، اخاذی یا سوءاستفاده افراد ذی‌نفع در انتخابات در تعیین نتیجه، تأخیر انداختن یا هرگونه اعمال نفوذ در پروسه انتخابات گفته می‌شود. برای اطلاعات بیشتر، نک:

Fischer, Jeff, *Electoral Conflict and Violence A Strategy for Study and Prevention*, IFES White Paper, 2002, p. 3.

۴. آدام، پرزورسکی، م، الوارز، م، چیبوب، خ و ف، لیمونگی، دمکراسی و توسعه (نهادهای سیاسی و بهزیستی در جهان ۱۹۵۰ - ۱۹۹۰)، ترجمه جعفر، خیرخواهان، (تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴)، ۳۳۴ و ۳۴۰، همچنین، حسین عظیمی آرانی، کارکردهای نظام سیاسی در فرایند توسعه (تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴)، ۴۴.

۵. سلاح‌های کشتار جمعی بیشتر جنبه بازدارنده دارند با این حال تهدید به استفاده از آنها خشونت محسوب می‌شود.

۶. فرانسوا استیرن، خشونت و قدرت، ترجمه بهنام جعفری (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ۱۲۹.

۷. جنگ اولین و معروف‌ترین نوع خشونت بود. به‌طوری‌که رهایی از جنگ و نزاع مترادف با صلح در نظر گرفته می‌شد، در سال ۱۹۱۵ کنفرانس سازمان‌های غیردولتی طرفدار صلح «حق تعیین سرنوشت» و کنفرانس لاهه «اصل تعیین سرنوشت مردم و دولت‌ها» را به عنوان زیربنای صلح در نظر گرفتند و دامنه موضوع توسعه یافت. (Przetacznik, Frank, *The Basic*).

در حوزه خارجی و بین‌المللی مسؤلیت پیشگیری از مناقشات از تعهدات اصلی کشورهای عضو جامعه ملل است که در منشور ملل متحد نیز ذکر گردیده، با این حال جامعه مدنی نقش مهمی را در این امر به عهده دارد، نقش جامعه مدنی نیز متقابلاً از طرف سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی مورد حمایت واقع می‌شود که هدف آن پیشگیری از مناقشه و کمک به ایجاد ظرفیت ملی در این زمینه است. اقدام برای پیشگیری باید در ابتدایی‌ترین مراحل یک چرخه مناقشه شروع شود تا بیشترین تأثیر را داشته باشد.

سیاست توسعه فقر در جوامع به قصد وادار کردن مردم به انجام اموری برخلاف مصالح سیاسی خود (رای برای نان)، پرورش مزدور، کودتاجی و تروریست (عده‌ای تروریسم را حاصل مستقیم فقر اقتصادی نمی‌دانند) برای ایجاد دیکتاتوری از دیگر خشونت‌های سیاسی است که در سطح کلان و به‌دست بعضی دولت‌ها یا گروه‌های سیاسی علیه مردم انجام می‌شود.

of Philosophical and Legal Concept of Peace as a Cardinal Human Right, The Catholic Concept of Genuine & Just Peace as a Basic Collective Human Right 1991, p. 35. بعد از جنگ اول جهانی بود که رهبران کشورهای فاتح برای جلوگیری از تکرار این ضایعه بزرگ، امکان حل مسالمت‌آمیز اختلافات را در دستور کار کنفرانس صلح پاریس قرار دادند تا توسط به جنگ را در روابط بین دولت‌ها به حاشیه برانند، این موضوع در میثاق جامعه ملل تجلی یافت و متعاقب آن قرارداد عمومی تقبیح جنگ مشهور به بریان کلوگ منعقد گردید. با وجود این، اقدامات آتش جنگ دوم جهانی شعله‌ور شد و این بار قدرت‌های فاتح تصمیم گرفتند سازمان امنیت جمعی جدیدی برای حل اختلافات و جلوگیری از جنگ ایجاد نمایند. (امیرساعد و کیل، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی (تهران: مجد، ۱۳۸۳)، ۱۱۴. نقل از Jane, Boulden.) *Peace Enforcement, London Rae Ger, 2001, p. 209.* سازمان ملل که بر اساس منشور خود وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را عهده دارد بر این اساس تشکیل گردید و در کنار آن دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل و فصل اختلافات دولت‌ها و نیروهای حافظ صلح نیز شروع به کار کردند. تجارب گذشته بخصوص جنگ دوم جهانی سبب شد نمایندگان دولت‌ها، انسان و حقوق انسانی او را مورد توجه قرار داده و به این شکل در ماده ۵۵ منشور توجه به حقوق بشر در صدر اقدامات سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار گرفت. بر این مبنا بود که اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین و در آن حداقل‌های حقوق انسان به عنوان استاندارد برای برخورد دولت‌ها با مردمان‌شان تعیین شد. بعد از تصویب اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، حقوق بشر بین‌المللی رشد و تعالی خود را آغاز نمود و رابطه میان صلح بین‌المللی و حقوق بشر نزدیک‌تر گردید. با این کار هر چند اصلی‌ترین و جامع‌ترین علت برقراری صلح پایدار و مقابله با جنگ و خشونت یعنی احترام به حقوق بشر رسماً مورد شناسایی قرار گرفت، ولی کماکان بازیگران اصلی این صحنه دولت‌ها بودند. از اواخر دهه ۶۰ (میان دوره استعمارزدایی و جنگ سرد و رواج جنگ‌های داخلی) بود که جنبش‌های صلح، جان تازه‌ای گرفته و به سمت یک اتحاد فراملی گام برداشتند و در همین راستا سازمان ملل در ۱۹۸۴ «اعلامیه حق مردم به صلح» (<http://www2.ohchr.org/english/law/peace.htm>, Declaration on the Right of Peoples to Peace A/39/RES/11,12 November 1984) را به تصویب رساند. به تدریج مسائلی همچون عدالت اجتماعی، محیط زیست، حقوق بشر و غیرنظامی کردن روابط بین‌المللی، توسعه و دمکراسی در چارچوب فعالیت گروه‌های صلح قرار گرفت. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و آغاز درگیری‌های فراوان داخلی و زنده شدن اختلافات تاریخی که صلح و امنیت بین‌المللی را هدف قرار داده بود، نیاز به یک دیپلماسی پیشگیرانه احساس شد. در سال ۱۹۹۲ «دستورکاری برای صلح» و در ۱۹۹۵ متمم آن از طرف سازمان ملل منتشر شد. در این دو سند ابزار چهارگانه تأمین صلح با عناوین «دیپلماسی پیشگیرانه»، «برقراری صلح»، «حفظ صلح و تحکیم صلح» مطرح گردید و در اعلامیه هزاره مجمع عمومی از ترویج فعالانه فرهنگ صلح و گفت‌وگو در میان تمامی تمدن‌ها سخن به میان آورد. در کنار این فعالیت‌ها یونسکو نیز به فعالیت‌های آموزش صلح (صلح‌سازی) متمایل گردید؛ به این شکل توسعه فعالیت‌های ضد جنگ توجهات را به ابعاد مختلف خشونت معطوف نمود.

1. N.Kalyvas, Stathis, *The Logic of Violence in Civil War*, Seminario de Investigacion de Cinecia Politica Curso 2002- Journal of Economic Perspective, Vol. 17, Fall 2003, p. 35.

همچنین عدم توجه به اقوام و نژادهای خاص یا محاصره و تحریم‌های هدفمند برای گروه‌های انسانی و تحمیل فقر، بیکاری و جلوگیری از توسعه اقتصادی و سیاسی (تحقیقات نقش مؤثر آزادی‌های سیاسی و مدنی را بر کاهش تروریسم تأیید می‌نماید)^۱ و در کنار آن ناتوان‌سازی با رواج فرهنگ صدقه‌گیری و گداپرووری برای تحمیل عقاید سیاسی، محروم کردن از حقوق انسانی و وادار کردن آنها به انجام اقداماتی خلاف مصالح خود را نام برد.

آموزش‌های حقوق بشری مشتمل بر آموزش دمکراسی، تحزب، عدم تبعیض، شناخت دیگر مردمان (نژادها، ملل، ادیان و مذاهب) و رفع پیش‌داوری‌ها و سوءظن‌ها، ترویج برابری، برادری، آزادی، تساهل، مدارا و دیالکتیک و مشارکت سیاسی و اجتماعی از طریق آگاهی به حقوق خود در انتخاب کردن و انتخاب شدن، آموزش اخلاق مدنی و الگوهای رفتاری انسان محور، ترویج تفکر انتقادی، روش‌های درست انتقاد و نقدپذیری، آگاهی‌های زیست‌محیطی، ترویج مسؤلیت‌پذیری (هم ملی و هم جهانی)، آگاهی از اثرات منفی رقابت‌های تسلیحاتی، اصول حکمرانی خوب، روش‌های مسالمت‌آمیز حل تعارض (داخلی و بین‌المللی)، شناخت سازمان‌ها، نهادهای ملی و بین‌المللی فعال در عرصه داخلی و بین‌المللی و نحوه عمل و کمک‌های آنها و هر عاملی که برای زندگی شهروند جهانی لازم است در کنار آموزش‌های تخصصی برای سیاستمداران و فعالان سیاسی، اعضای مجالس و شوراها برای تغییر و اصلاح قوانین خشونت‌آمیز، مولد خشونت سیستماتیک و غیردمکراتیک، اصحاب مطبوعات و رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی به مردم و سایر فعالان سیاسی را متناسب با نوع فعالیت‌شان را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

اصلاح فرهنگ خشونت (قطع چرخه خشونت) در اجتماع انسانی و جایگزین کردن آن با فرهنگ حقوق بشری و استقرار صلح یک اقدام اساسی با اثری دراز مدت است. اصلاح مشکلات فرهنگی بعد از شناسایی آنها نیازمند آموزش است و در این مقاله تلاش شده است ضمن معرفی ابعاد مختلف خشونت‌ها به امکانات آموزش حقوق بشر برای اصلاح آنها اشاره شود.

کودکان در خانه و خانواده اصول رفتاری خود را می‌آموزند آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (رفتار و گفتار اطرافیان) می‌توانند اصول همزیستی، همکاری، برادری و برابری و احترام به حقوق دیگران را فرا بگیرند، در این بین آگاهی پدر و مادر رکن اصلی آموزش مؤثر و سنگ

1. Abadie, Alberto, *Poverty, Political freedom, and the Roots of Terrorism*, *American Economic Review*, Vol.95, No.2, 2005(4, Sep), p. 5056 -. and A. Piazza, James, *Rooted in Poverty? : Terrorism, Poor Economic Development, and Social Cleavages*, *Terrorism and Political Violence*, Vol. 18, No.1, 2006, pp. 159-177.

بنای سایر آموزش‌هاست. برای این کار می‌توان از کلاس‌های آموزشی، کتاب‌های مناسب، آموزش رسانه‌ای و چند رسانه‌ای^۱ و سایر وسایل بسته به امکانات و کارایی برای آموزش پدر و مادر بهره‌جست، همچنین در وسایل بازی، کتاب‌های کودکان، قصه‌ها و سایر بازی‌های چند رسانه‌ای رفتارهای خشونت‌زدایی شده را به کودکان آموزش داد، به طوری که شالوده یک آموزش مؤثر برای کودکان ایجاد شود.

دانش‌آموزان و دانشجویان نیز ضمن آگاهی از ابعاد خشونت در زندگی باید با روش‌های گفت‌وگو، مشارکت، دمکراسی، نقد، پاسخگویی، مسؤلیت‌پذیری، نظم و هر آنچه لازمه زندگی اجتماعی است، آشنا شوند، در سطوح پایین تحصیلی نقش معلم بسیار حائز اهمیت است. از این‌رو، شایسته است از معلمان آموزش دیده و مشتاق برای آموزش حقوق بشر استفاده شود. محیط مدرسه نیز چه از نظر محیط فیزیکی، قوانین و مقررات، تنبیهات، مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا باید خشونت‌زدایی شود. در سطوح بالاتر تحصیلی آموزش مفاهیم حقوق بشر، مبانی و اهداف آن در سطوح مختلف و آموزش مهارت‌های خاص برای کنترل استرس، عصبانیت، تعامل و گفت‌وگو، محیط‌زیست و همچنین مهارت‌های عمومی زندگی اجتماعی، قوانین و مقررات و مراکز و نهادهای حمایتی در کنار شناخت انواع خشونت‌های آشکار و پنهان و اثرات آن، تقدس‌زدایی از خشونت، اصلاح اسطوره‌های خشن و جنگ طلب و شناخت دیگر گروه‌های انسانی باید مدنظر قرار گیرد.

دوره‌های عمومی و فراگیر به‌ویژه برای همسران جوان در مورد ابعاد خشونت خانوادگی، خشونت بین همسران، خشونت علیه کودکان و سایر انواع خشونت و روش‌های گفت‌وگو، مذاکره، تعامل و سایر مهارت‌های زندگی مشترک و تربیت فرزند، سازوکارهای حمایتی و قضایی متناسب با شرایط و امکانات هر اجتماع باید آموزش داده شود. این آموزش‌ها به‌طور مستقیم به هدف آگاهی و مهارت‌آموزی به زوج‌های جوان و به‌طور غیرمستقیم آموزش کودکانی است که در بستر این خانواده‌ها پا به عرصه وجود می‌گذارند و با الگوبرداری از رفتار والدین خود اولین و مؤثرترین آموزش‌های زندگی خود را دریافت می‌کنند.

مبارزه با خشونت از معرفی انواع آشکار و پنهان آن تا روش‌های کنترل و مهار آن نیاز به یک اقدام مستمر دارد. آموزش عمومی و چند رسانه‌ای برای عموم مردم جهت بالا رفتن سطح معلومات و در صورت امکان مهارت‌های عملی برای خشونت‌زدایی از زندگی به‌وسیله فرهنگ‌سازی یا خشونت‌زدایی از فرهنگ موجود است که با ایجاد حساسیت عمومی نسبت به ابعاد خشونت و گسترش صلح اجتماعی (ایجاد فرهنگ صلح)^۲ باید در زمره سیاست‌های

1. www.un.org/documents/ga/res/40/a40r036.htm, Domestic violence, A/RES/40/36, 29 November 1985.

2. Galtun, J, Ibid, p. 291.

اجتماعی دولت‌ها قرار گیرد. در کنار این آموزش‌ها باید به مقوله خشونت موجود در رسانه‌ها نیز توجه خاص مبذول داشت، زیرا خشونت در رسانه‌ها در یادگیری و جامعه‌پذیری کودکان نقش مهمی بازی می‌کند، بخصوص کودکانی که منبع یادگیری و جامعه‌پذیری دیگری ندارند به شدت از آن تأثیر می‌پذیرند.

آموزش‌های تخصصی ویژه گروه‌های خاص چه قربانیان و چه کسانی که با بازخوردهای خشونت ارتباط حرفه‌ای دارند از جمله قضات، معلمان، پزشکان و پرستاران و نیروهای پلیس و امنیتی و زندانبانان، تا کسانی که می‌توانند بر فرهنگ، معماری و شهرسازی^۱ و قوانین اثرگذار باشند از جمله معماران، اعضای شوراهای شهر، نمایندگان مجلس، قضات و سیاستمداران از گروه‌های هدف مهم در آموزش ضد خشونت‌اند که باید به تناسب گروه هدف آموزش لازم به آنها داده شود.

رشد و توسعه کلینیک‌های تخصصی که ضمن کمک به آسیب‌دیدگان خشونت برای رفع آن به آموزش این افراد برای نجات از خشونت و رفع اثرات آن کمک می‌کنند و سازمان‌ها، نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ که می‌توانند توجه مردم را به خشونت‌ها و اثرات آن جلب نموده و در هر زمینه و سطحی اقدام به آموزش، بسیج عمومی، حمایت مالی از آسیب‌دیدگان (عدالت ترمیمی)، حمایت حقوقی، لابی و رایزنی با دولت و نمایندگان مجلس و کلیه اقدامات ممکن نماید، باید مورد توجه قرار گیرد، این سازوکار نوعی حمایت اجتماعی برای کاهش اثرات خشونت و جبران آن است، اصلاح قوانین (خشونت‌زدایی از قوانین یا جزازدایی و تبدیل مجازات‌ها به خدمت) توجه به اصلاح مجرمان به جای انتقام از آنها،^۳ ترویج زندگی سالم، ورزش و ایجاد امکانات تفریحی و زمان فراغت کافی برای استفاده از آنها، توسعه پایدار و مبارزه با فقر و توجه به رفاه مردم در کنار گسترش اخلاقیات، ایجاد اشتغال مولد،

۱. توجه به روان‌شناسی شهرسازی، مبارزه با انواع آلودگی‌ها، فضای سبز کافی، کاهش فشار ترافیک، گسترش حمل‌ونقل عمومی کارا و مؤثر، ایجاد فضاهای ورزشی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های شهری و بسیاری موارد دیگر را می‌توان نام برد.

۲. حمایت اجتماعی شامل مشاوره Counseling، نصیحت Advice و راهنمایی Guidance است. هدف اولیه آنها آماده کردن فرد برای آمادگی در مبارزه با وقایع زندگی است. همچنین دسترسی به اطلاعات، خدمات، کمک و منابع مادی و ایجاد مهارت عملی و کنترل اجتماعی است. (رسول‌زاده اقدم، پیشین، ۸۵-۸۶).

۳. این گرایش به نام جرم‌شناسی طرفدار صلح را هال پینسکی و ریچارد کووینی جداگانه مطرح کردند و پاسخی به جنگ رو به رشد با جرم و مرتکب آن در قالب سزاگرایی و زندان است. طرفداران این نظر معتقد هستند که راه انتخاب شده برای برخورد با جرم به‌طور کلی اشتباه است و جرم را نمی‌توان با توسل به خشونت دولتی یا مجازات سرکوب و متوقف کرد. بنابراین به‌جای کاربرد لفظ مبارزه و جنگ با جرم و مجرم بهتر است با برقراری سیاست اجتماعی Social Policy به‌جای کنترل اجتماعی Social Control و نیز برقراری عدالت ترمیمی Restorative Justice به‌جای عدالت سزاگرا و سرکوبگر Retributive/Repressive Justice و مصالحه و سازش Reconciliation به‌جای زندانی کردن Incarceration و ایجاد کینه و دشمنی بین مردم سعی در ایجاد هماهنگی، همگرایی و ایجاد توافق بین مردم داشته باشیم. (علی صفاری، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری)، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ۵۱۵).

محیط شهری سالم و سایر موارد را می‌توان در سیاهه ابزار مبارزه با خشونت جای داد. در صورت انجام چنین آموزش‌هایی آگاهی لازم برای نیاز به تغییر و توانمندی لازم برای تغییرات در سطوح مختلف جامعه ایجاد می‌شود. جامعه برای پاسخ به این نیازها، نهادهای جدیدی را بنیاد می‌گذارد و قوانین، مقررات و رسوم تازه‌ای در جامعه تولید می‌شود که مبنای آن ارزش‌های حقوق بشری است که به علت ماهیت خود روابطی مبتنی بر صلح خواهد بود و روابط صلح‌آمیز زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان می‌گردد که هدف اصلی حقوق بشر است. البته نتایج کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات دیگران و نتایج عملی کار آنها مبین اثرگذاری و کارایی آموزش حقوق بشر برای مبارزه با خشونت و آثار آن در جوامع انسانی است؛ هر چند در این تحقیق میزان این اثرگذاری محاسبه نگردیده است.

گستره زیاد ابعاد خشونت نیاز به تأسیس کمیته ملی برای مبارزه با خشونت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند تا ابعاد مختلف مبارزه با خشونت را هماهنگ و هدایت کند، همچنین ایجاد سازمان‌های تحقیقاتی^۱ و تخصصی برای مطالعه دقیق و موضوعی عوامل خشونت برای ایجاد شناخت و مواد اولیه آموزش ضد خشونت لازم است. آموزش می‌تواند در سطوح مختلفی انجام گیرد که هر یک از این سطوح باید بعد از شناسایی گروه هدف، محتوای آموزشی را با روش‌های آموزشی مناسب خود دریافت نمایند.

آموزش حقوق بشر برای صلح دامنه گسترده‌ای از دانش و علوم را در بر می‌گیرد که از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تاریخ، انسان‌شناسی، علوم تربیتی و غیره را شامل می‌شود. تحقیقات برای عملی و کاربردی کردن آموزش حقوق بشر به‌طور قطع نیازمند همکاری و مساعدت سایر رشته‌ها در کنار حقوق بشر است.

منابع فارسی

۱. استیبرن، فرانسوا. خشونت و قدرت. ترجمه بهنام جعفری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۲. امیر ارجمند، اردشیر. «آموزش حقوق بشر». مجله تحقیقات حقوقی ۲۵-۲۶ (۱۳۷۸): ۱۵۹-۱۷۹.
۳. ایثاری کسمایی، علی. حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد. ترجمه مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد. تهران: یثاری، ۱۳۸۴.
۴. بوتول، گاستن. تبیی در سبزه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران: پیمان، ۱۳۶۴.
۵. پرزورسکی، آدام و. دموکراسی و توسعه (نهادهای سیاسی و بهزیستی در جهان ۱۹۵۰-۱۹۹۰). ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.
۶. پرفیت، آلن. پاسخ‌هایی به خشونت. ترجمه مرتضی محسنی. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. دلاوری، ابوالفضل. «بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران» پایان‌نامه دکترا، تهران، ۱۳۷۸.
۸. رسول‌زاده اقدم، صمد. «عوامل مؤثر بر خشونت علیه کودکان در خانواده». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه

۳. پرفیت، پیشین، ۱۵۰.

- شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۹. ساعد وکیل، امیر. حقوق بشر، صلح و امنیت، بین‌المللی. تهران: مجد، ۱۳۸۳.
۱۰. ساعد وکیل، امیر. نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی). تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۳.
۱۱. صباغیان، علی. نقش میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین‌المللی. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۱۲. صبوری، محمدحسین. «صلح پایدار در فلسفه کانت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۰.
۱۳. صفاری، علی. «درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن». در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری). تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۱۴. طالبی‌پور، شیماء. «آموزش حقوق بشر و حق بر توسعه پایدار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۵.
۱۵. عظیمی آرانی، حسین. کارکردهای نظام سیاسی در فرایند توسعه. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.
۱۶. عنان، کوفی. پیشگیری از مناقشات مسلحانه (گزارش دبیرکل). تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل تهران، ۱۳۸۱.
۱۷. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی، تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۴.
۱۸. کولوویک، ضمیر ناخودآگاه و جنگ، ۲۷۳، تهران: پیام یونسکو، ۱۳۷۲.
۱۹. کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غ توسلی و ر. فاضل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ بیست‌وسوم، ۱۳۹۰.
۲۰. محمدی، مهرداد. «عملکرد نیروهای عامل صلح سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر» (دوران پس از جنگ سرد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. مهرپور، حسین. حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۲. منافی دستجردی، عالییه. «بررسی جایگاه آموزش صلح و جنگ در محتوای کتب درس دوره سه ساله راهنمایی ۱۳۸۳-۸۴». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۴.
۲۳. میشو، ایو. خشونت دست‌آموز. ترجمه بابک سیدحسینی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات صحیفه وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۲۴. مهرا، نسرين. «زن و حقوق کیفری»، (مجموعه مقالات، نتایج کارگاه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته حال، آینده، آذر ۱۳۸۳). تهران: سلسبیل، ۱۳۸۴.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. «رویکرد جرم‌شناسی به خشونت در ورزش» (بحثی در زمینه جرم‌شناسی عملیات ورزشی)، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۲۹-۳۰، تهران: ۱۳۷۹.
۲۶. همتی، رضا. «عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان در خانواده‌های تهرانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۲۷. هنجی، علی. «پیدایش حقوق بشر دوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار رزمندگان با یکدیگر». مجله تحقیقات حقوقی. ۳۹، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.

منابع لاتین

1. Brochman, H., & Midttun, E. K. (1999). *Human Rights Education and Peace Building. Current Issues in Comparative Education*, 2(1), 1-10.

2. Fawole, O. I. (2008). *Economic Violence To Women and Girls Is It Receiving the Necessary Attention? Trauma, Violence, & Abuse*, 9(3), 167-177.
3. Fischer, J. (2002). Electoral Conflict and Violence. IFES White Paper, 1. Retrieved from <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/untc/unpan019255.pdf>
4. Fox, S., & Hoelscher, K. (2010). The Political Economy of Social Violence: theory and evidence from a cross-country study. Retrieved from <http://eprints.lse.ac.uk/28469/>.
5. Galtung, J. 1990. *Culture Violence*, *Journal of Peace Research*, Vol. 27, No.3, pp. 291-305.
6. Goetz, A. T. (2010). *The evolutionary psychology of violence*. *Psicothema*, 22(1), 15-21.
7. Ho, K. H. (2007). *Structural violence as a human rights violation*. *Essex Human Rights Review*, 4(2), 1-17.
8. Kalyvas, S. N. (2006). The logic of violence in civil war. Cambridge Univ Press. Retrieved from <http://journals.cambridge.org/production/action/cjoGetFulltext?-fulltextid=1918952>.
9. Peters, J., Shackelford, T. K., & Buss, D. M. (2002). *Understanding domestic violence against women: Using evolutionary psychology to extend the feminist functional analysis*. *Violence and Victims*, 17(2), 255-264.
10. Piazza, J. A., *Rooted in Poverty? : Terrorism, Poor Economic Development, and Social Cleavages, Terrorism and Political Violence*, Vol. 18, No.1, 2006, pp159-177.
11. Plan of act, *World Programme for Human Rights Education*, First Phase, United Nation, New York and Geneva, 2006.
12. Przetacznik, F. 1991. *The Basic of Philosophical and Legal Concept of Peace as a Cardinal Human Right*, The Catholic Concept of Genuine & Just Peace as a Basic Collective Right.
13. Telorance: *The Threshold of Peace (Preliminary version)*, UNESCO, 1994.
14. Tibbitts, F. *Human Rights Education, Encyclopedia of Peace Education*, Teacher College Columbia University, <http://www.tc.edu/centers/epe/>.
15. United Nations Millennium Declaration, General Assembly, A/55/L.2,2000

سایت‌های اینترنتی

1. A/res/55/2. (n.d.). Retrieved December 13, 2012, from <http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.htm>
2. A/RES/48/104. Declaration on the Elimination of Violence against Women. (n.d.). Retrieved December 13, 2012, from <http://www.un.org/documents/ga/res/48/a48r104.htm>
3. A/RES/40/36. Domestic violence. (n.d.). Retrieved December 13, 2012, from <http://www.un.org/documents/ga/res/40/a40r036.htm>. (n.d.). Retrieved December 13, 2012, from <http://fa.m.wikipedia.org/wiki/>
4. J Declaration on the Right of Peoples to Peace. (n.d.). Retrieved December 13, 2012, from <http://www2.ohchr.org/english/law/peace.htm>

سرمايه فرهنگي - ويكي پديا.

Human Rights Training for Banishing Violence

Reza Eslami (Ph.D.) & Abbas Behroozikhah

This article reviews the roots of violence in human society in individual and social levels, and studies the negative impact of violence on peace and peaceful coexistence of citizens in any given society. The article argues that, in many instances, the violence is derived from, and motivated by, certain cultural beliefs and practices which threaten peace in both domestic and international scenes, and in turn, lead to more violence and discrimination. The article also provides that this vicious circle should be replaced by the circle of dialogue, mutual understanding and tolerance. The article argues that human rights education helps societies raise awareness, build capacities and empower the citizens so that the differences among them are settled by peaceful means, and ultimately, violence is eliminated from human societies.

Keywords: violence, discrimination, culture, human rights training, tolerance, human rights education.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIII, No. 1

2014-1

- **HUMAN RIGHTS TRAINING FOR BANISHING VIOLENCE**
Reza Estami & Abbas Behroozkhan
- **THE CHALLENGES OF WTO GLOBAL GOVERNANCE ON OIL**
Mohammad Aghaei
- **ENGINEERING HUMAN SPERM CELLS IN THE TRIANGLE OF COMMON HEALTH, DEVELOPMENT AND IDENTITY RIGHTS**
Fatemeh Toof
- **THE LAUNCHING STATE OF SPACE OBJECTS AND EFFECT OF SEALAUNCH PROJECT ON DEVELOPMENT OF ITS CONCEPT**
Homa Khalvandi - Seyed Hadi Mahmoudi
- **REFERENCE OF SOCIAL SECURITY ORGANIZATION TO RESPONSIBLE EMPLOYER IN INJURING TO INSURED EMPLOYEE**
Mehmood Saber - Nasrin Tabatabaie Hesari
- **LEGAL RESPONSIBILITY OF THE STATE IN NATURAL DISASTERS**
Zohreh Rahmani
- **CONVENTION AGAINST TORTURE: THE PROSPECT OF THE REPARATION FOR VICTIMS OF EXTRATERRITORIAL VIOLATIONS**
Niloufar Nazaryani
- **SUBSTANTIVE REQUIREMENT OF INNOVATIVE STEP IN THE MIRROR OF ACTS AND RULES: A STANDARD FOR IRAN'S LEGISLATION**
Hamid Najafi & Mahsa Madani
- **IRAN AND THE INTERNATIONAL INSTITUTE FOR THE UNIFICATION OF PRIVATE LAW (UNIDROIT): LOOKING TO THE FUTURE**
Kocooth Jafari
- **INTERVIEW**
With Mr. Jose Angelo Estrella Fiala, Secretary General of UNIDROIT



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study